

بهداشت و طب در پرتو آیاتی از قرآن مجید

زهرا کریمی سبزواری

چکیده

راهیابی به ژرفای ماهیت انسان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نیازهای اساسی همه عصرهاست که نه تنها عرصه شناخت انسان از خویشتن را به گونه‌ای جدی متأثر می‌سازد که عرصه شناخت جهان بزرگ هستی و آفرینشگر بی‌مثال آن را نیز در ذهن و ضمیر جستجوگر آدمی روشنایی می‌بخشد. دین آسمانی از آن جهت که پیام هدایتگر خداوند مهربان به آدمیان و برگرفته از دریای بی‌کران علوم خداوندی است، همواره به‌عنوان منبع اصیل، جامع و مطمئن در پاسخگویی به نیازهای معرفتی و معیشتی انسان‌ها، مورد توجه اندیشمندان جهان قرار داشته است. بررسی قرآن کریم نشان می‌دهد که خداوند تأکید زیادی بر سلامتی بندگان خود دارد و چون افراد سالم توانایی رسیدن به کمال را دارند و جامعه سالم از افراد سالم تشکیل می‌شود از این رو بر آن شده تا گریزی کوتاه بر قرآن بزنیم و پژوهشی مختصر در رابطه با بهداشت و طب در قرآن کریم داشته باشیم. مقاله‌ای که پیش روی شماست متشکل از چند موضوع است ابتدا: طب را در لغت و در اصطلاح تعریف کرده و سپس به بیان اهمیت طب در قرآن و روایات پرداخته، آنگاه چند آیه پزشکی قرآن را به‌عنوان شاهد مثال بیان کرده است. البته این نکته را یادآور شویم به دلیل در دسترس نبودن منابع اصیل علمی و محدود بودن مکان‌ها و کتبی که در این رابطه است نتوانسته‌ایم آن طور که شایسته است به بررسی این موضوع بپردازیم. به همین دلیل امکان دارد بعضی از مطالب مطرح شده در این مقاله از نظر علمی دلیل موجهی نداشته باشد.

واژگان کلیدی

قرآن؛ طب؛ بهداشت.

بهداشت و طب در پرتو آیاتی از قرآن مجید

طب در لغت و اصطلاح

طب در لغت به معنی: رفق، ملاحظت، داروی اندام، شهرت خواهانی تن، علاج کردن.

علم طب: از علوم طبیعی قدما، علم ابدان، نگاهداشتن تندرستی است بر تندرستان و زائل کردن بیماری است از بیماران.

صاحب کشف اصطلاحات الفنون بیان می‌دارد: علم قوانینی است که به وسیله آن چگونگی بدن انسان از لحاظ تندرستی و عدم آن شناخته شده و تا حد امکان به دست آید. (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۳۵۲۳)

در جای دیگر آمده، طب درمان کردن، علاج جسم، در اصطلاح، علمی است که درباره انواع بیماری‌ها و طریق معالجه آنها بحث می‌کند. (عمید، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹۲) و باز گفته شده که علمی است که درباره امراض و طرز مداوای مرض و پیشگیری ناخوشی‌ها مطالعه و تحقیق می‌کند. (معین، ۱۳۸۱، ص ۲۲۰۲)

هر چند از نظر لغت و متون اسلامی «طب» شامل درمان بیماری‌های جسم و روان است و درمان کنندگان جسم هم مانند درمان کننده جان، مظهر اسمای حسنای الهی هستند و افزون بر این با «طب روان» ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند. اما این دو در نوشتارهای اسلامی دو موضوع مستقل هستند، «طب روان» موضوع علم اخلاق است و اصطلاحاً به آن طب اطلاق نمی‌شود و طب تن مربوط به درمان بیماری‌های جسمی می‌شود. (ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۹)

۱- اهمیت طبابت در قوانین اسلامی

در حوزه علوم، پزشکی، سرآمد همه دانش‌هاست. چرا که فلسفه سایر علوم بهره‌وری انسان از مواهب زندگی است و این هدف جز در پرتو سلامت جسم و جان میسر نیست. چنان که از امیرمؤمنان علی ابن ابیطالب (ع) روایت شده که فرمودند:

«بالعافیه توجد لذه الحیاة» «لذت زندگی با عافیت و سلامت به دست می‌آید.»

امام باقر (ع) می‌فرماید: «بدان که هیچ دانشی چون جستن (دانش) سلامت نیست و نه هیچ سلامتی چون سلامت دل.»

امام باقر (ع): «من وَصِيته: وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَاعْلَمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ وَ لَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ.» (غررالحکم، ج ۷، ص ۴۴)

فلسفه احکام و قوانین اسلامی، تکامل مادی و معنوی جامعه اسلامی است. از نظر اسلام، بزرگ‌ترین نعمت خداوند به انسان سلامت جسم و بزرگ‌تر از آن سلامت جان و خطرناک‌ترین بلاها، بیماری جسم و خطرناک‌تر از آن بیماری جان است. حال هنگامی که بزرگ‌ترین نعمت سلامتی و خطرناک‌ترین بلا، بیماری است، اسلام هم برنامه جدی در این رابطه دارد. هنگامی که متون اسلامی را بررسی می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که یکی از اهداف اصلی و حکمت‌های مهم احکام و مقررات اسلامی، طب پیشگیرانه، از طریق پیشگیری از بیماری‌ها و تأمین سلامت انسان است.

خداوند می‌فرماید: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مائده، ۱۶) «خداوند، هر که را که از خشنودی او پیروی کند به وسیله آن (کتاب) به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود.»

بنابر این آیه، قرآن و برنامه‌های نورانی و حیات‌بخش آن، جامعه بشر را به راه‌های تأمین سلامت رهنمون می‌گردد.

به همین دلیل در اسلام، آنچه برای سلامت جسم و یا جان خطرناک و زیان‌بار است حرام یا مکروه است و آنچه برای سلامت انسان، لازم و مفید است، واجب یا مستحب و آنچه سود و یا زیانی برای جسم و یا جان ندارد، مباح است پس اجرای دستورات قرآن در زندگی، سلامت جسم و جان انسان را به همراه می‌آورد، البته گاهی اوقات خداوند به دلیل مسائل تربیتی و طبق حکمت الهی، فردی را دچار بیماری می‌کند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لَوْ لَا ثَلَاثٌ فِي ابْنِ آدَمَ مَا طَاطَا رَأْسُهُ شَيْءًا: الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ وَالْمَوْتُ، كُلُّهُمْ فِيهِ، وَأَنْتَ مَعَهُنَّ لَوْ تَابَ». (شیخ الصدوق، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳)

«اگر سه چیز در آدمیزاد نبود، هیچ چیز سر او را فرود نمی‌آورد: بیماری، تهی‌دستی و مرگ اینها همه در انسان هست و با این حال، انسان همچنان گستاخ است.»

امام رضا (ع) می‌فرماید: «الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ، تَطْهِيرٌ وَرَحْمَةٌ». بیماری برای مومن تطهیر و رحمت است. (رضی‌الدین، ص ۱۷۱)

امام رضا (ع) درباره حکمت مقررات الهی که بر انسان حلال و یا حرام شده، می‌فرماید:

«ما می‌بینیم هر آنچه که خداوند - تبارک و تعالی - حلال کرده، در آن، صلاح و بقای بندگان است و بدان نیاز گریزناپذیر دارند و می‌بینیم هر آنچه که حرام شده است، بندگان بدان نیازی ندارند موجب تباهی و زمینه نابودی‌اند.» (شیخ

الصدوق، ۱۳۸۱، ص ۵۲۹)

اکثر دانشمندان به این موضوع عقیده دارند که علم طب، مبدأ الهی دارد و متکی به وحی است. محقق بزرگوار شیخ مفید - رحمه الله علیه - در این باره چنین می‌فرماید: «طب [دانشی] است درست که آگاهی از آن، امری ثابت است و راه درستی بدان نیز وحی است».

آگاهان این دانش، آن را تنها از پیامبران بهره گرفته‌اند؛ چه آنکه نه برای آگاهی یافتن از حقیقت بیماری به کمک سمع [ادله نقلی] راهی است، و نه برای آگاه شدن به درمان راهی، جز به توفیق، بدین سان ثابت می‌شود که یگانه راه این آگاهی، شنیدن از همان خدایی است که به همه نهفته‌ها آگاه است. (مجلسی، ۱۳۷۳، ص ۷۵)

بنابراین سرآغاز علم طب، آموزه های وحی بوده؛ و تجربه دانشمندان هم به آن افزوده شده و کم کم این دانش را بسط داده‌اند.

۲- طبابت کار خداوند و اولیاء خداوند است

طبابت کار خداوند است. قرآن کریم از ابراهیم خلیل (ع) نقل می‌کند که فرمود:

«وَ إِذَا مَرَضْتُ فَهَوَّ يَشْفِين» (شعراء، ۸۰) «و چون بیمار شوم، او [خداوند] شفایم می‌دهد.»

ابراهیم خلیل (ع) گفت: پروردگارا درد از کیست؟ [خداوند فرمود]: «از من» پرسید: پس درمان از کیست؟ فرمود از من، پرسید: پس طبیب چه کاره است؟ فرمود: مردی است که دارو به دست او فرستاده شده است». (محمدی ری شهری، ص ۵۳)

این سخن به این معناست که طبابت کار خداوند متعال است و طبیب واقعی اوست و خداوند است که خواص درمانی را در داروها نهاد و در نظام آفرینش

برای هر دردی دوايي آفريد. حضرت رسول (ص) فرمود: «لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ فَإِذَا أُصِيبَ دَوَّاءُ الدَّاءِ بِرَأْسِهِ» هر دردی را درمانی است پس چون به دواي درد برسد، به اذن خداوند بهبود يابد. (متقی هنری، ص ۲۳۱)

آری، خداوند برای هر دردی دارویی قرار داد و به انسان این استعداد را قرار داد تا بتواند این دردها و داروها را بشناسد.

حضرت علی (ع) در وصف حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «طیبی بود که طبابت را بر بالین بیماران می‌برد، مرهم را درست در جایی که باید می‌نهاد و آنجا که بایسته بود داغ می‌نشانده، او این همه که نیاز بود در دل‌های بی‌فروغ، گوش‌های ناشنوا و زبان‌های ناگویا می‌رساند.»

(با درمان خوش منزلگه‌های بی‌خبری و جایگاه‌های سرگشتگی انسان را می‌جست). (دشتی، خطبه ۱۰۸)

هنگامی که ویژگی‌های ائمه معصومین (ع) را به‌طور صریح و عمیق بررسی می‌کنیم متوجه می‌شویم که آنان نیز علاوه بر سایر علوم از علم پزشکی نیز به‌واسطه وحی برخوردار بودند که سخنان این معصومین بهترین گواه بر این مدعاست.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ» امام آنگاه که بخواهد بداند، می‌داند. (محمدی ری‌شهری، ص ۵۳)

حضرت علی (ع) همواره به مردم می‌فرمودند: از من بپرسید پیش از آنکه مرا از کف بدهید؛ چرا که در سینه من، به‌سان دریا‌های بیکران دانش‌های فراوانی نهفته است. (محمدی ری‌شهری، ص ۲۳۱) و امام رضا (ع) می‌فرماید: «آنگاه که خداوند، بنده‌ای را برای عهده‌داری کارهای بندگان خویش برگزید، سینه وی را برای این کار فراخ می‌سازد و سرچشمه‌های حکمت را در دل او به ودیعت می‌گذارد و

دانش را در دل او به ودیعت می‌گذارد و دانش را به تمامی، به او الهام می‌کند و او نه در پاسخی فرو می‌ماند و نه از راه ثواب، سرگشته می‌گردد». (شیخ صدوق)
 بنابراین پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز از دانش پزشکی کامل آگاه بودند.

در این آیه خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ». (یونس، ۵۷)

این آیه خطاب به عموم مردم که قرآن موعظه و نصیحتی آمد برای شما از جانب پروردگارتان و قرآن دارویی است، حیات‌بخش و چه دارویی بهتر از دارویی که انسان را از مرض جهل و شرک نجات می‌دهد. بنابراین طبیب حاذق حضرت محمد (ص) و نسخه شفابخش قرآن است. لکن کسانی که از این شفا بهره‌مند می‌شوند مؤمنین هستند که در آخر آیه شریفه می‌فرماید: «وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ».

۳- آیات مرتبط با دانش پزشکی که برخی از آنها شامل آیات مربوط به:

الف) عسل

ب) شیر

ج) آب

د) شراب

ه) مردار، خون و خوک هستند

الف - عسل

«يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ...» (نحل، ۶۹)

آنگاه از درون آنها شربت شیرینی به رنگ‌های مختلف بیرون آید که در آن شفای مردمان است.

در این آیه چون (شفاء) به صورت نکره آمده بنابراین عسل شفای همه دردها نیست اما، عنوان شفا برای هیچ غذا و آشامیدنی دیگر در قرآن به کار گرفته نشده است. در دنیا هیچ غذایی به اندازه عسل نیروی کهربایی و تشعشعات رادیو اکتیو ندارد. عسل یک غذای مفید برای اطفال است، زیرا تمام مایحتاج غذایی را به‌طور طبیعی دارد. قندش برای هر سنی مناسب است و سرشار از قیمتی‌ترین مواد حیاتی است.

عسل غذای نیروبخش برای سالخوردگان و خردسالان است. عسل دارای ۷۵٪ مواد قندی و سفیده‌ای و ۲۰٪ مواد چربی است و از این رو ثابت می‌شود که عسل یکی از غذاهای نیروبخش است. (احمد امین)

امام رضا (ع) فرموده‌اند: «وَمَنْ أَرَادَ رَدَّعِ الْكُفْرَ مَدَّهَ أَيَّامَ الشَّقَاءِ فَلْيَاكُلْ كُلَّ يَوْمٍ لُقْمًا مِنْ الشَّهْدِ». هر کس مایل باشد در زمستان گرفتار زکام نشود هر روز سه لقمه از عسل صاف شده همراه با غذا میل کند. (مجلسی، ۱۳۷۳، ص ۳۲۴)

پیامبر خدا (ص) فرمودند: عسل! چه خوب نوشیدنی است؛ قلبت را مراقبت می‌کند و سردی را از میان می‌برد، باد و تب را دور می‌کند. (محمدی ری‌شهری، ص ۴۰۱)

دانشمندان از طریق تجربه به این حقیقت رسیده‌اند که زنبوران به هنگام ساختن عسل آن چنان ماهرانه عمل می‌کنند که خواص درمانی و دارویی گیاهان کاملاً به عسل منتقل شده و محفوظ می‌ماند.

دانشمندان برای عسل، خواص بسیار زیادی ذکر کرده‌اند که هم جنبه درمانی و هم پیشگیری و هم نیروبخشی دارد. عسل زود جذب خون می‌شود و به همین جهت نیروبخش است و در خون‌سازی فوق‌العاده مؤثر، عسل از ایجاد عفونت در معده جلوگیری کرده، یبوست را برطرف می‌سازد.

عسل به مقدار کم برای درمان بی‌خوابی کفایت می‌کند. خستگی و افسردگی را برطرف می‌کند. عسل برای زنان باردار باعث تقویت شبکه عصبی فرزندانشان می‌باشد. عسل مقدار کلسیم خون را بالا می‌برد. برای کسانی که دستگاه گوارش ضعیفی دارند نافع است. مخصوصاً کسانی که به نفخ شکم مبتلا هستند عسل چون زود وارد مرحله سوخت و ساز می‌شود، انرژی ایجاد می‌کند. (مکارم شیرازی، ص ۳۰۴)

برای کلیه‌ها ایجاد زحمت نمی‌کند و در رفع سرفه مؤثر است. در سوختگی‌ها نیز اثر دارد، برای سالخوردگان نیروی فوق‌العاده‌ای به وجود می‌آورد، برای امراض ریوی کمک‌کننده خوبی است. در خونریزی‌ها و حتی هموفیلی‌ها مؤثر است. میکروب‌کشی‌اش جهت اسهال و بیماران کلیوی مفید است. (مکارم شیرازی، ص ۲۱۴)

برای درمان زخم معده و اثنی عشر عامل مؤثری شناخته شده حتی بسیاری از پزشکان برای جلوگیری از ایجاد زخم‌های نامبرده خوردن عسل را مؤثر می‌دانند. لاوانده^۱ در کتابش به نام «کشور زنبور عسل و گنج‌های آن» می‌نویسد: عسل برای کودکان بهترین قند بوده و همه‌گونه ویتامین مورد لزوم را در اختیار آنها می‌گذارد. قند گلوکز عسل مستقیماً قابل جذب می‌باشد و از این بابت بر بدن تحمیل نمی‌شود. آهن موجود در عسل برای کم‌خونی و فسفر و کلسیم آن برای بیماری‌های استخوانی و ریوی مؤثر است. عسل در درمان یرقان اثر بسیار عالی دارد.

مواد موجود در عسل شامل ویتامین‌های، A, E, D, C, K... B₁ و B₂ گلوکز، ساکارز، صمغ، مواد آلبومینه، مواد معدنی، سولفات‌ها، انورتین، اسید فومیک و آب از مواد تخمیری یا مخمرها، انورتاز، آمیلاز، کاتالاز، از مواد معدنی پتاسیم، آهن، فسفر، ید، منیزیم، سرب، منگز، و آلومینیوم، مس... (پاک‌نژاد، ۱۳۵۳، ص ۲۳۳)

تمام خواص عسل را قرآن در یک کلمه شفابخشی‌اش خلاصه کرده، بنابراین چون عسل شفابخش است و ظاهر انسان را درست می‌کند بر باطن نیز تأثیر می‌گذارد چون روح سالم در بدن سالم است.

ب - شیر

«وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ»
(نحل، ۶۶)

«البته برای شما هوشمندان ملاحظه حال چهارپایان همه عبرت و حکمت است. از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم.»

چنان‌که در فوق خواندیم می‌گویید: شیر از میان «فرث» غذای هضم شده داخل معده و دم «خون» خارج می‌شود - فیزیولوژی امروز این مطلب را ثابت کرده است در هنگامی که غذای درون معده، هضم و آماده جذب گردد. در سطحی بسیار وسیع و گسترده در داخل معده و روده‌ها در برابر میلیون‌ها رگ خونی قرار می‌گیرد و عناصر مفید و لازم آن را جذب کرده و به درخت ریشه‌داری که انتهایش در نوک پستان خلاصه می‌شود می‌رساند. مادر غذا می‌خورد، عصاره‌اش به خون وارد می‌گردد، در مجاور شاخ و برگ‌های انتهایی دستگاه گردش خون «جنین» قرار دارد تا بچه‌ای که در رحم مادر است بدین طریق او را تغذیه می‌کند اما همین که از مادر جدا شده نوک عقربه این قطب‌نمای تغذیه‌کننده متوجه نوک

پستان مادر می‌شود در این حالت، مادر دیگر نمی‌تواند، خون خود را به خون فرزند برساند، از این رو باید تغییر حالت و تصفیه‌ای انجام پذیرد که محصول جدید را برای کودک گوارا و سازگار سازد.

اینجاست که شیر به وجود می‌آید از میان «فرث» و «دم» یعنی از میان آنچه می‌خورد و تبدیل به «فرث» شده و بعد از آن تبدیل به خون می‌شود و اتفاقاً ترکیب شیر نیز چیزی است حد وسط میان خون و فرث نه خون تصفیه شده و نه غذای هضم شده از دومی فراتی می‌رود و به اولی نمی‌رسد.

پستان‌ها برای ساختن مواد پروتئینی، تنها از اسیدهای آمینه، ذخیره شده بدن استفاده می‌کنند. بعضی از مواد شیر در خون وجود ندارد و در غده‌های پستان ساخته می‌شوند بعضی قسمت‌های دیگر موجود در شیر بدون تغییر از پلاسماهای خون، از طریق ترشح وارد شیر می‌شوند (مانند انواع ویتامین‌ها) نمک و طعام و فسفات‌ها، بعضی دیگر از مواد مانند قند (لاکتوز) از قند موجود در خون گرفته می‌شود که پستان‌ها روی آن فعالیت داشته و در این تفسیر و تبدیل سهم مؤثری دارند. به طوری که ملاحظه می‌کنید تولید شیر نتیجه جذب مواد غذایی به وسیله خون و ارتباط مستقیم خون با غده‌های پستان‌ها می‌باشد. ولی جالب این که نه بوی خاص فرث و نه رنگ مخصوص خون هیچ کدام به شیر منتقل نمی‌شود، بلکه با رنگ و عطر و بوی تازه‌ای از نوک پستان تراوش می‌کند!

جالب توجه این که دانشمندان می‌گویند برای تولید یک لیتر شیر در پستان حداقل باید پانصد لیتر خون از این عضو عبور کند، تا بتواند مواد لازم برای آن یک لیتر شیر را از خون بگیرد و برای یک لیتر خون در عروق، باید مواد غذایی زیادی از روده‌ها بگذرد و اینجاست که مفهوم (من بین فرث و دم) کاملاً مشخص

می‌گردد. شیر، سرشار از مواد مختلف حیاتی که روی هم رفته یک مجموعه کامل غذایی را تشکیل می‌دهد.

مواد معدنی شیر عبارت‌اند از سدیم، پتاسیم، کلسیم، منیزیم، روی، مس و... آهن و همچنین فسفر و ... گوگرد و ریشه گازهای اکسیژن و ازت و اسید کربنیک نیز وجود دارد. مواد قندی شیری به قدر کافی و به صورت «لاکتوز» می‌باشد.

ویتامین‌های محلول در شیر ویتامین «ب» و «پ» و «آ» و «د» می‌باشد. امروز ثابت شده که اگر حیوان خوب چرا کرده باشد تمام اقسام ویتامین‌ها در شیر آن وجود دارد و این مسأله نیز تقریباً مورد اتفاق است اگر شیر تازه یک غذای کامل محسوب شود.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لیس یجزی مکان الحکام بالشراب الالین». تنها چیزی که می‌تواند جای آب و غذا را کامل بگیرد شیر است و این که شیر عقل انسان را زیاد می‌کند و ذهن انسان را شفا می‌بخشد. روشنی چشم را می‌افزاید و فراموشی را برطرف می‌کند. (قرائتی، ص ۴۷)

قلب را تقویت می‌کند و پشت را محکم می‌کند، در آیات فوق مخصوصاً «خالص بودن» و گوارا بودن شیر تکیه شده است، و این در بدو نظر برای هر کس روشن است که شیر غذایی است کم‌حجم و پرنیرو و خالص از مواد اضافی و در عین حال آنچنان گوارا است، که برای هر انسان، در هر سن و سال، از کودکی تا پیری مفید و سازگار است و به خاطر همین جهات بسیاری از بیماران از این غذا استفاده می‌کنند، مخصوصاً برای رشد استخوان‌ها اثر فوق‌العاده برای آن قائلند و به همین دلیل در موارد شکستگی استخوان‌ها توصیه می‌شود.

یکی از معانی «خلوص»، «پیوند» است و شاید به خاطر همین معنی است که بعضی این تعبیر قرآنی را در مورد شیر اشاره به تأثیر فوق‌العاده آن در استخوان‌سازی می‌دانند.

این نکته نیز لازم به تذکر است که در دستورهای اسلامی به شیر «آغوز» که در لغت عرب به آن «خباء» می‌گویند اهمیت فوق‌العاده‌ای داده شده است تا آنجا که در کتب فقهی اسلامی می‌خوانیم حیات کودک بستگی به آن دارد. و به همین دلیل دادن شیر آغوز را به کودک از واجبات شمرده‌اند.

شیر، یکی از غذاهای مقوی و کامل به شمار می‌رود. سالم‌ترین شیرها، شیر گاو است که با مزاج انسان‌ها سازگار است. شیر، مملوء از کلسیم است و کلسیم نمک مخصوصی است که برای استحکام استخوان بدن، ناخن‌ها و موها نقش حیاتی دارد. بدون کلسیم استخوان سست می‌شود، دندان‌ها می‌پوسند. ناخن‌ها می‌شکنند، موها می‌ریزند. کلسیم برای محکم کردن عضلات قلب که دائم در حال حرکت هستند بسیار مفید می‌باشد.

امام صادق (ع) در جواب شخصی که شکایت می‌کرد از سست شدن وضعیت بدنش فرمودند: حتماً شیر بخور چون شیر تو را از لاغری مفرط نجات می‌دهد و به استخوان‌هایت استحکام می‌بخشد.

این سخن امام در زمانی که نامی از کلسیم و خواص آن نبود جنبهٔ اعجاز دارد. بدون کلسیم شخص دچار بیماری‌هایی همچون شکستگی‌های زیاد در استخوان‌هایش و ناقص شدن ستون فقراتش می‌شود.

شیر خوردن... در زمان بارداری باعث زیاد شدن عقل فرزند می‌گردد و یکی از بهترین خوردنی‌هایی که با شیر سازگاری دارد، خرما است که کلیه‌ها را هم نیرو می‌بخشد.

پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرمایند: «ذاتك الاطيان التمر و اللبن» دو چیز گوارایند خرما با شیر.

بدان، جان برادر، اولاد را بر پدر و مادر حقوق بسیار است. از جمله آنها بلکه اعظم آنها سعی نمودن در باب مرضعه است برای اولاد: زیرا که مسأله رضاع بسیار مشکل است. از جهت حلیت و حرمت پس بر تو باد که اولاد خود را به مرضعه قابلۀ کامله نجیبه‌ای بدهی، که او را شیر دهد که این شیر دادن آثار زیادی بر کودک دارد. (نهایندی، ص ۹۴۲)

ابن ملجم چون شیر یهودیه خورده بود، کرد آنچه کرد از قتل حضرت امیرالمومنین (ع) حضرت رسول (ص) می‌فرمایند: فرزندانان را از شیر زنان بد و دیوانه حفظ کنید چون شیر عامل پرورش دشمن می‌شود. (مجلسی، ص ۹۳)

ج - آب

«وجعلنا من الماء كل شيء حي...» (انبیاء، ۲۹) «و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم».

آب نه تنها نقش حیات دارد بلکه برای بسیاری امراض مفید است آب یک عنصر قوی است که مقوی و مسکن درد است. نیروبخش است معرق است، و مهوع است، مسهل است، ضد عفونی کننده است، قاطع تب است، خواب آور است و خاصیت بی‌حس کردن موضعی دارد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «آب سرد حرارت بدن را می‌کاهد و تب را از بین می‌برد و در حدیث دیگری می‌فرماید: آب سرد و آب‌های جوشیده هیچگونه ضرری ندارد، علاوه بر این که دارای منافع زیادی هستند». (قمی، ص ۵۵۹)

حیات همه موجودات زنده معمولاً از آن به وجود می‌آیند. جالب این که دانشمندان امروز معتقدند که نخستین جوانه حیات در اعماق دریاها پیدا شده است. به همین دلیل آغاز حیات و زندگی را از آب می‌دانند و اگر قرآن آفرینش انسان را از خاک می‌شمرد نباید فراموش کنیم، منظور از خاک همین طین (گل) است که ترکیبی است از آب و خاک. این موضوع نیز قابل توجه است که طبق تحقیقات دانشمندان قسمت عمده بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می‌دهد، حدود ۷۰٪ درصد. (مکارم شیرازی، ص ۳۹۶)

عنصر آب یکی از موجودات این جهان است که از نظر اسلام با مشیت و اراده و تدبیر و حکمت خداوند متعال به شکلی خاص و کیفیت و خاصیتی معین آفریده شده است. آب به مقدار احتیاج انسان از آسمان و زمین، چشمه و رودخانه، چاه و دریا در اختیار او قرار گرفته است. خالق جهان می‌فرماید: «ما از آسمان آبی پاک‌کننده فرو فرستادیم» یعنی این عنصر را چنان ساختیم که مایع سیال باشد و وقتی لباس و بدن شما کثیف شود با به کار بردن آن بتوانید آن کثافات را به راحتی پاک کنید» آب را باید کم بیاشامید، آب زیاد منشاء همه دردهاست، آشامیدن آب باران و خصوصاً در ماه نیشان شفای امراض شماسست. (مصطفوی، ۱۳۷۰، ص ۸۹)

زهرا کریمی
سبزوار

د - شراب

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا» (بقره،

۲۱۹)

«ای پیغمبر از تو از حکم شراب و قمار می‌پرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است ولی گناهشان از سودشان بزرگ‌تر است.»

امروز در جهان طبیبی پیدا نمی‌شود که به هیچ عنوان شراب را مفید بداند آن را حتی به مقدار کم تجویز کند اگر دیده شده که شخصی خود را به‌عنوان طبیب می‌نامد گاهی شراب را به‌عنوان دوا تجویز کرده حتماً باید دانست که معلومات طبی او بسیار ناقص و خراب است. تا صد سال قبل بعضی از اطباء تصور می‌کردند شراب برای برخی از امراض مفید است ولی اخیراً علما فهمیده‌اند که نه تنها شراب سودی به بدن مریض نمی‌رساند بلکه زیان‌های بسیاری بر آن وارد می‌نماید. بدین معنی که کوچک‌ترین ذرات الکل عمل گلبول‌های سفید خون را مختل می‌سازد. کسی که بدنش فاقد گلبول سفید یا دارای گلبول‌های ضعیف باشد مغلوب بیماری شده و اگر دوباره تولید گلبول نکند خواهد مرد. الکل اثر عجیبی دارد که تاکنون علماء علتش را نفهمیده‌اند و آن این است که به محض داخل شدن در خون عمل گلبول‌های سفید را متوقف می‌کند. آنها را تنبل و بی‌کار می‌سازد به‌طوری که اگر میلیون‌ها میکروب به بدن وارد شود. فعالیت از خود بروز نمی‌دهد بنابراین تصدیق کنید که وقتی به‌عنوان دوا به مریض الکل بدهیم چه گناه بزرگی را نسبت به او انجام داده و وی را به سوی مرگ کشیده‌ایم. حال می‌بینیم مساله بزرگی را که اخیراً علما کشف کرده‌اند. قرآن ۱۴۰۰ سال پیش ضرر داشتن و مضر بودن آن را بیان کرده است. الکل سلول‌های مغز را از کار می‌اندازد، باعث بیماری‌های رعشه در اعضای بدن می‌شود. بی‌خوابی مفرط را به ارمغان می‌آورد، مخاط زبان و حس ذائقه را و بزاق دهان را کم و ترشح آن را از نظم می‌اندازد. جگر را ناتوان و متورم می‌سازد، مرض زردی در کبد را به وجود می‌آورد، باعث سل و تنگی نفس می‌شود. کلسیم بدن را از بین می‌برد، عمل تغذیه را مختل می‌کند، باعث جنون می‌شود، همچنین اثرات سوئی در نسل‌های بعدی برجا می‌گذارد.

مردی از امام پنجم علت حرام شدن شراب را سوال کرد. آن حضرت این طور فرمود: «دائم الخمر» مانند بت پرست است. شراب رعشه بدن پدید می آورد، مردانگی و انصاف و مروتش را از بین می برد. شراب است که شراب خوار را وادار به خسارت بر نزدیکان و اقوام و خویشان و خونریزی و زنا می نماید. خلاصه شراب وادار کننده به هر نوع شر و اعمال ضد انسانی است. (بحار الأنوار، ص ۱۶۴)

یکی از اطباء آلمان ثابت کرده که تأثیر الکل تا سه نسل به طور حتم باقی است به شرط آنکه این سه نسل الکی نباشد. مرگ اطفال در اولاد الکی سه برابر بیش از معمول است، بچه های الکی لاغری، ضعف، حساسیت فوق العاده در بیماری ها و نقص جسمانی و روحانی را به ارث می برند و آنان به امراضی چون عدم تقارن قیافه، کجی ستون فقرات، فلج عضو، کری و لالی، ماندن به حال بچگی، تشنج، سکت، توقف رشد، استعداد به جنایت و حزن دائمی و... مبتلا می شوند. (بقره، ۲۱۹)

الکل به دلایل مختلف از جمله تغییر قوام و شکل جدار ساختمان سلول، تسهیل فقر غذایی، فقدان ویتامین، و تقویت اثر سرطان زایی در تولید سرطان مری مؤثر است.

در مردمان فرانسه که الکل تقطیر شده مصرف بسیار دارد، الکل نقش مهمی را در سرطان مری دارد. مطالعات نشان داده که مصرف الکل باعث سرطان کولون در راست روده، سرطان معده، سرطان حنجره، سرطان مجاری تنفسی می شود. فرمان دین مبین اسلام با تحریم الکل و محدودسازی علمی آن در مشرق زمین و مقاطع دیگر در طول ۱۴۰۰ سال عملاً از هزار مورد سرطان ناشی از الکل جلوگیری کرده است.

امام رضا (ع) علت حرام شدن شراب را چنین می فرماید: خداوند عزوجل خمر و شراب را به خاطر چند جهت حرام کرد. الف) فساد است. ب) عقل شراب را

تغییر داده و زایل می‌کنند. ج) شارب را وادار می‌کند که خداوند عزوجل را انکار می‌کند. د) شارب را وادار می‌کند که بر خدا و انبیايش دروغ ببندد. ه) فسادهای دیگری از شارب سر می‌زند. و) قتل و نسبت ناروا دادن و مبادرت بر زنا ناشی از شرب خمر می‌باشد (ز) شرب خمر سبب می‌شود که شارب نسبت به اجتناب محارم الهی بی‌اعتنا باشد.

هـ- مردار، خون، خوک

مردار

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْجَنْزِيرِ مَا أَهْلُ بِهِ» (بقره، ۲۱۹)

«به تحقیق حرام گردانید خدا بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و هر آنچه را که به اسم غیرخدا کشته باشند.» مردار حیوانی است که یا به دستور شرع ذبح نشده باشد و یا آنکه خودبه‌خود مرده باشد. امام رضا(ع) می‌فرمایند: «حرام شدن مردار برای آن است که باعث فساد بدن‌هاست و نیز برای این است که باعث ایجاد صفراء است.» خوردن مردار، اصولاً بدن را بدبو می‌کند و همچنین باعث بداخلاقی، عصبانیت و قساوت قلب و از بین رفتن مهر و عطف می‌شود به طوری که شخصی نمی‌تواند در موردی که گوشت مردار می‌خورد و از کشتن فرزند و پدر و رفیق خود ایمنی داشت. (بحارالأنوار، ص ۱۶۴)

بعد از مرگ حیوان، میکروب‌ها و باکتری‌های روده به خون و لنف وارد شده شروع به نمو می‌نماید. البته ابتدا باکتری‌های هواخواه ناخواه تولید فساد می‌کنند، باکتری‌های هوا خواه مواد سفیده‌ای را تجزیه می‌کرده و تبدیل به عناصر شیمیایی و گازهایی چون اسید کربنیک، هیدروژن، سولفور، و آمونیاک و غیره می‌نمایند که اینها به‌ذاته تولید مسمومیت می‌نمایند، باکتری‌های هواخواه از بیرون به روی

اجساد مؤثرند و بعضی حشرات به‌ویژه انواع مگس‌ها در کار عفونت اثر مهمی دارند و در فساد آنها کمک می‌نمایند. به‌طور خلاصه گوشت فاسد سخت‌ترین و خطرناک‌ترین مسمومیت و غیره را به انسان می‌دهد. این محرمان در شخص تولید عوارضی از قبیل التهاب معده، روده، تب شدید، ناتوانی شدید، سرگیجه، بزرگ شدن مردمک، پایین افتادن پلک چشم می‌نمایند. (امین، ص ۵۴)

مردارخواری به خون‌خواری بستگی دارد زیرا تا شاه‌رگ‌های مخصوص حیوان قطع نشود، به اندازه کافی خون از بدنش خارج نمی‌شود و کمتر مرداری است که خون بدنش کاملاً خارج شده باشد.

شخصی از امام صادق (ع) می‌پرسد: «فلم حرم الله المسفوح؟» چرا خداوند خوردن خون را حرام نموده؟ «لأنه يُورثُ الفسَوهَ و سلبُ الفؤادِ مَرَحْمَتَهُ و يَعْفِنُ البَدَنَ و يُعْغِیْرُ اللّوْنَ و أَكْثَرُ مَا يَصُفُّ الْإِنْسَانَ الْجُذَامَ يَكُونُ مِنْ أَكْلِ الدَّمِّ» امام صادق (ع) فرمود: «لأنه يُورثُ...» برای آنکه خوردن خون باعث قساوت قلب و رفتن مهر و عاطفه است و نیز برای آن است که خون‌خواری سبب تعفن بدن و تغییر رنگ چهره و پوست انسان است و بسیاری از مبتلایان به بیماری جذام به‌واسطه خوردن خون گرفتار این بلای خانمان سوز گشته‌اند.

خوک

مطالعات دانشمندان بعد از قرن‌ها بر روی حیوان این نکته را ثابت کرده که چندین نوع میکروب وجود دارد.

کرم تریشین: این کرم به‌وسیله گوشت خوک به انسان منتقل می‌شود. این کرم به ماهیچه‌ها نفوذ می‌کند و به راحتی هم از بین نمی‌رود. در یک گرم گوشت خوک هزار عدد از این کرم وجود دارد و یک تریشین ماده تقریباً ۱۵۰۰ کرم

جوان می‌زاید. این کرم به قلب نیز نفوذ پیدا می‌کند و باعث سگته‌های قلبی می‌شود. این کرم با پختن گوشت از بین نمی‌رود بلکه در بین مواد سفیده گوشت قرار می‌گیرد و از حرارت مصون می‌ماند. این قسمت از گوشت (سفیده) در معده هضم نمی‌شود و به روده‌ها می‌رود.

کرم دیگری به نام تریکین نیز در گوشت خوک است که در مردن می‌تواند تا ۱۵ هزار تخم بگذارد. این کرم باعث می‌شود، گلبول‌های سرخ خون ابتدا زیاد شوند و بعد کم کم از بین بروند تا جایی که مقدار این گلبول‌ها در خون خیلی کم می‌شود و به مرض کم‌خونی^۲ دچار می‌شود، که او را به مرگ می‌کشند هنگامی که تریکین‌ها وارد معده شوند، لایه آهکی خود را به خاطر شیرها و اسیدهای معده از دست می‌دهند و خیلی سریع شروع به تولید مثل می‌کنند و وارد خون می‌شوند که اولین اثر آن سرگیجه و تب‌های مخصوص از جمله تب‌های مربوط به دستگاه هاضمه می‌باشد، بعداً اسهال دست می‌دهد دردهای دیگر از قبیل روماتیسم‌های مختلف، واکنش اعصاب، خارش داخلی بدن، تراکم پی‌ها، گرفتگی و خستگی در تمام بدن، جمع شدن عضلات صورت. بعد از چهار و پنج روز مرگ فرا می‌رسد. وقتی تریکین داخل معده می‌شود با هیچ داروی کرم‌کشی قابل دفع نیست.

حضرت ابی‌جعفر (ع) در جواب راوی که از ایشان سؤال کرده بود: برای چه خداوند عزوجل شراب و مردار و خون و گوشت خوک را حرام فرموده است. حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی این اشیا را بر بندگان حرام نکرد و غیر آنها را حلال قرار نداد تا ایشان را به آنچه حلال کرده‌اند و از آنچه حرام فرموده‌اند بی‌میل کرده باشد؛ بلکه پس از آفرینش مخلوقات آن چه سلامتی انسان به آن قائم است و در راستای مصلحت و خیر آنها است به آنها تعلیم فرمود و پس

از آن فرمود که این سنخ از اشیاء برایشان مباح و حلال است. نیز آنچه به ضرر بدن‌هایشان هست را به آنها هشدار داد و اعلام فرمود این قبیل از اشیاء بر آنها حرام است سپس فرمود: یکی از شما در وقتی از اوقات که مضطر شد و بدنش قائم و پابرجا نشد مگر به یکی از محرمان عالیه، در چنین وضعی می‌تواند به مقداری که حاجتش برطرف شده و مشککش حل شود از آن استفاده کند نه بیش از این مقدار. پس از آن فرمود: اما مردار: احدی حق ندارد از آن تناول کند مگر آن که بدنش مبتلا به ضعف مفرط بوده یا قوت از او رفته و بدون استفاده از آن نسلش منقطع گردد. و اساساً خورنده مردار مبتلا به مرگ ناگهانی می‌گردد. و اما خون: خوردن آن ایجاد آب زرد می‌کند و باعث ابتلا به مرض عطش و قساوت قلب و کم‌مهری شده به طوری که با خویشاوندانش و یارانش هیچ ایمان و اعتقادی ندارد.

اما گوشت خوک: خداوند تبارک و تعالی، افرادی را در صورت‌های مختلف نظیر صورت خوک و بوزینه و خرس مسخ فرموده و سپس نهی کرد از خوردن گوشت حیوانات مماش و هم‌شکل ایشان تا بدین وسیله از استفاده شده ممسوخات جلوگیری به عمل آید. (پاک‌نژاد، ص ۲۱)

و از طرفی به عقوبت و بلایی که آنها به آن مبتلا شده‌اند استحقاقی واقع نگردد و اما خمر و شراب، خداوند متعال آن را حرام فرموده زیرا هم مستی ایجاد می‌کند هم فاسد است. (شیخ الصدوق، ۵۴۹)

ممانعت از آمیزش در دوران حیض

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذْيٌ فَأَعْتَرُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ...» (بقره، ۲۲۲)

«سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان بگو آن رنجی است برای زنان. در آن حال از مباشرت آنان دوری کنی تا آنگاه که پاک شوند چون طهارت یافتند از آنجا که خدا دستور داده به آنها نزدیک شوید...»

در این آیه رموز پزشکی زنان و زایمان و طب پیشگیری بیان شده، چنانچه همان‌گونه که در این آیه آمده، حیض یک عمل فیزیولوژیکی است که هم آزار و اذیت در آن است و هم فایده‌های بسیار زیادی در آن وجود دارد. که این خونریزی ماهیانه دلالت بر امکان بارداری زن و سلامتی تخمدان و رحم است و مانع از غلظت خون و سایر عوارض می‌گردد.

در این آیه به عادت ماهیانه زنان اشاره شده و مردان را از نزدیکی با زنان خود در این دوران منع کرده است چون در این دوران در اثر خونریزی لایه درونی رحم زن کاملاً از بین می‌رود و رحم زخمی می‌شود. بنابراین به راحتی در معرض تهاجم باکتری‌ها قرار می‌گیرد. در این دوران مقاومت مهبل در مقابل تهاجم باکتری‌ها به پایین‌ترین سطح خود می‌رسد و از آن جز لایه بسیار نازک چیزی باقی نمی‌ماند.

وجود خون هم بهترین محیط برای رشد و تکثیر میکروب‌ها هستند. بنابراین آلت تناسلی مرد در این هنگام خطر تهدید کننده‌ای برای رحم است و این نزدیکی نه تنها برای زن ضرر فراوان دارد بلکه برای مرد نیز خطرناک است زیرا این عمل باعث رشد میکروب‌ها و التهاب مجرای ادراری مرد شده و بدین ترتیب میکروب‌ها به درون پروستات و مثانه منتقل می‌شوند.

علاوه بر این، ناراحتی‌های دیگری را نیز به دنبال دارد که از آن جمله به تحریکات زیاد رحمی زن دچار خونریزی شدید می‌شود و گاهی اوقات هم در اثر

ترشح غدد داخلی اعصاب رحم تحریک شده و موجب قطع جریان خون می‌شود که شرط صحت و سلامت بدن به خروج آنهاست. از طرف دیگر نطفه در داخل رحم قرار نمی‌گیرد و همچنین امکان دارد زن دچار تبخال‌های تناسلی، سیلان ایض شده و این میکروب‌ها نیز به مرد منتقل شود و همچنین بیماری‌هایی همچون، عقیم شدن زن، ضعف و تشنج اعصاب، فراموشی، سستی عضلات و هزاران عوارض دیگر هویدا شده شخص متوجه را پشیمان و آنکه علت معلولی نداشته است، آسمان و فلک و زمانه را به باد تهمت می‌زند. (صال و المحمدی، ۱۳۸۳، ص ۷۵)

زن در ایام حیض به لحاظ جسمی و آمادگی، آمیزش جنسی ندارد و کسالت و اختلال مزاج که برای زن پیش می‌آید او را نسبت به آمیزش بی‌نشاط می‌سازد. همچنین در این ایام که رحم در حال تخلیه خون است آمادگی پذیرش نطفه را ندارد و طبق اظهارنظر دانشمندان ممکن است انتقال آلودگی‌های خون از مجرای مرد، او را برای همیشه عقیم سازد.

در روایات نیز آمده است: محمد بن علی بن حسین قال، قال النبی (ص): «مَنْ جَامَعَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَائِضٌ فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْزُومًا أَوْ أَبْرَصَ فَلَا يَلُومُنَ إِلَّا نَفْسَهُ» بنابراین اگر فرزندی در این ایام نطفه‌اش منعقد شد به لحاظ جسمی و روحی مشکلاتی خواهد داشت.»

نتیجه

معجزات انبیاء معمولاً مطابق با برترین فنون عصر آنها می‌باشد و تردیدی نیست که شناسایی این نوع معجزات، به نظر متخصصانی که صنعت مشابه دارند، وابسته است، زیرا متخصص هر فنی به خصوصیات آن فن و حرفه واقفند و بر مزایای آن احاطه بیشتری دارند بنابراین دانشمندان و متخصصان اولین کسانی هستند که بر صدق معجزه گردن می‌نهند اما جاهل در برابر پذیرش این مدعا مقاومت می‌نمایند. از آنجا که دوران نبوت پیامبر اسلام (ص) برخلاف سایر انبیاء الهی، ابدی و دامنه شریعتش تا قیامت گسترده است، خداوند او را معجزه‌ای جاوید عنایت فرمود تا در هر دوره‌ای و هر زمانی و در هر نقطه‌ای از جهان قلوب طالبان راه هدایت را به سوی چشمه زلال و شفاف اسلام دعوت کند، و تنها معجزه‌ای که می‌توانست در زمان پیغمبر و پس از او بر بشریت حکومت نماید تنها قرآن است. بنابراین، حرف قرآن همه سرّ و همه راز است و کشف کامل این اسرار تا قیام منجی عالم بشریت (عج) طول می‌کشد اما در هر زمان که باشیم با عمل به دستورات آن می‌توانیم سالم‌ترین بدن پاک‌ترین روح را دارا باشیم که داشتن این دو ما را به زندگی ابدی و جاودانی همراه با سعادت ابدی رهنمون می‌سازد.

«آگاه باشید! همانا این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخن‌گویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید، کسی با قرآن همنشین نشد مگر آنکه بر او افزود یا از او کاست، در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی‌اش کاست...» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۹۲)

جدول آیات

آیات پزشکی موجود در قرآن کریم بر اساس سوره‌ها و موضوعات ذکر شده‌اند.
(الحبال، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴ و ۱۶۱)

نام سوره	شماره آیه	موضوع پزشکی	متن آیه
بقره	۱۹	گوش، حلق و بینی	أَوْ كَصِيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ
بقره	۲۰	چشم پزشکی	يَكَادُ الْبَرْقُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
بقره	۲۵	روان پزشکی	وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
بقره	۳۸	روان پزشکی	فَلَنَّا أَهْبَطُوهَا مِنْهَا وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
بقره	۴۵	روان پزشکی	وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ
بقره	۶۱	بهداشت تغذیه	وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ وَكَانُوا يَعْتَدُونَ
بقره	۶۱	روان پزشکی وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ .
بقره	۶۲	روان پزشکی	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
بقره	۹۷	روان پزشکی	قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّ وُيُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ
بقره	۱۱۲	روان پزشکی	بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
بقره	۱۵۳	روان پزشکی	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

وَلْيَبْلُغُوا شِبْهَ عِيسَىٰ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ	روان پزشکی	۱۵۵	بقره
الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ	روان پزشکی	۱۵۶	بقره
أُولَئِكَ عَلَيْنَا صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ	روان پزشکی	۱۵۷	بقره
أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ك إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ	بهداشت تغذیه	۱۷۲	بقره
إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ	طب پیشگیری	۱۷۳	بقره
أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ	پرستاری و طب سالمندان	۱۸۴	بقره
شَهْرُ رَمَضَانَ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ	پرستاری و طب جامعه	۱۸۵	بقره
وَأَنْفِقُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ	بهداشت عمومی	۱۹۵	بقره
وَاتِمُوا الْحَجَّ أَنْ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ	پرستاری	۱۹۶	بقره
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ	طب پیشگیری و بهداشت عمومی	۲۱۹	بقره
وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ	زنان و زایمان	۲۲۲	بقره
يَسْأَلُوكُمْ حَرْثَ لَكُمْ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ	زنان و زایمان	۲۲۳	بقره
يَسْأَلُوكُمْ حَرْثَ لَكُمْ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ	روان پزشکی	۲۲۳	بقره
وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ	زنان و زایمان	۲۲۸	بقره

قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ	زنان و زایمان	۴۷	آل عمران
وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ	دارو درمانی	۴۹	آل عمران
وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ	روان پزشکی	۱۲۶	آل عمران
وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ	روان پزشکی	۱۳۹	آل عمران
إِذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لَّكِبَلًا تَحْزِنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ	روان پزشکی	۱۵۳	آل عمران
يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا	بهداشت عمومی	۲۸	نساء
وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مُّهِينًا	پرستاری	۱۰۲	نساء
حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ	طب پیشگیری	۳	مائده
فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا فَأَصْبَحَ مِنَ النََّادِمِينَ	بهداشت عمومی	۳۱	مائده
وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ	جراحی	۳۸	مائده
وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ إِلَّا سِحْرًا مُّهِينًا	پوست	۷	انعام
وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَّا الْأَسَاطِيرَ الْأُولَىٰ	گوش، حلق و بینی	۲۵	انعام
وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرًّا وَمُسْتَوْدَعًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ	ژنتیک و جنین شناسی	۹۸	انعام

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفِّصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	بهداشت تغذیه	۳۲	اعراف
يَا بَنِي آدَمَ إِذَا تَابَ إِلَيْكُمْ فَابْتِغُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	روان پزشکی	۳۵	اعراف
وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ	چشم پزشکی	۱۷۹	اعراف
إِذْ يُعَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ	طب پیشگیری	۱۱	انفال
لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ	روان پزشکی	۹۱	توبه
فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِيَدِنَا لِنَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَن آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ	تشریح و پزشکی قانونی	۹۲	یونس
قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بُعْلي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ	فیزیولوژی	۷۲	هود
وَجَاؤُوا عَلَى فَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلًا وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ	طب جنایی	۱۸	یوسف

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ	زنان و زایمان	۸	رعد
يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ	روان پزشکی	۲۷	ابراهیم
وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ	روان پزشکی	۴۷	حجر
ثُمَّ كَلِمَٰتٍ مِّنْ كُلِّ النَّمْرَاتِ فَاَسْأَلُكَ رَبِّكَ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ	دارو درمانی	۶۹	نحل
وَ مِنَ نَّمْرَاتِ النَّجِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ	بهداشت تغذیه	۶۷	نحل
وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ	طب سالمندان	۷۰	نحل
إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا	روان پزشکی	۹	اسراء
وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا	فیزیولوژی	۳۶	اسراء
وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا	دارو درمانی	۸۲	اسراء
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا	گوش، حلق و بینی	۵۷	کهف

مريم	۲۵	بهداشت تغذيه	وَهْزِي إِلَيْكَ بِجَذَعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا
مريم	۲۸	ژنتيك (وراثت)	يَا أُخْتِ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا
طه	۲۵	روان پزشکی	قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي
طه	۹۷	پوست	قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا
حج	۵	جنين شناسی	يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُمْ مَّن يَتُوفَىٰ وَمِنكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمَرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ
مؤمنون	۶۲	طب پیشگیری	وَلَا تَكُلْفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
نور	۶۱	پرستاری	لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِن بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْهُنَّ مَفَاتِحُهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا

فِرْقَان	۴۹	بهداشت عمومی	فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
نحل	۸۸	فیزیولوژی	لِنُحْيِي بِهِ بَلَدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَابِيًّا كَثِيرًا
روم	۵۴	فیزیولوژی و طب سالمندان	وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرًّا السَّحَابِ صُغَعُ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ
لقمان	۱۴	زنان و زایمان	اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ
سجده	۹	فیزیولوژی	وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ
فاطر	۱۱	جنین شناسی	ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ
یس	۷۲	بهداشت تغذیه	وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَرْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ
صافات	۱۴۶	دارودرمانی	وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ
ص	۴۶	دارو درمانی	ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ
زمر	۶	وراثت ژنتیک	خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقِ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآَنِي تُصِرُّونَ

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ	تشریح	۶۴	غافر
وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْنَا إِنَّا عَامِلُونَ	گوش، حلق و بینی	۵	فصلت
لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهْبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهْبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ	جنین شناسی	۴۹	شوری
يَا عِبَادِ لَا حَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ	روان پزشکی	۶۸	زخرف
وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ	کودکان و زنان و زایمان	۱۵	احقاف
مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ	جراحی	۱۵	محمد(ص)
لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا	پرستاری	۱۷	فتح

الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّى يُعَذِّبُهُ عَذَابًا أَلِيمًا			
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ	روان پزشکی	۶	حجرات
وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ	تشریح	۱۶	ق
وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوَعَّدُونَ	روان پزشکی	۲۲	ذاریات
مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ	جنین شناسی	۴۶	نجم
بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ	پوست و تشریح	۴	قیامت
إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا	فیزیولوژی	۲	انسان
فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ	تشریح	۸	انفطار
يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ	زنان و زایمان و تشریح	۷	طارق
يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ	روان پزشکی	۲۷	فجر
أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ	فیزیولوژی	۸	بلد
وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا	روان پزشکی	۷	شمس
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ	تشریح	۴	تین
مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ	روان پزشکی	۴	ناس

پی‌نوشت‌ها

- 1-Lavandes
2-Anemia

فهرست منابع

- دهخدا، علی اکبر. (بهار ۱۳۷۳). لغت نامه، چاپ: اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
عمید، حسن. (۱۳۸۶). فرهنگ عمید، چاپ: ۲۶، تهران: انتشارات امیرکبیر.
معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی، ج: ۲، چاپ: ۱۹، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۴). احادیث پزشکی، ترجمه حسین صابری، ج: ۱، چاپ: سوم، انتشارات دارالحدیث.
غررالحمک، جلد ۷.
شیخ الصدوق. (۱۳۷۴). خصال، ترجمه آیت‌... محمد باقر کمره‌ای، ج: ۸۹، چاپ: ۷، انتشارات کتابچی.
رضی‌الدین، جلیل، الطبرسی دوم، مکارم اخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقری فراهانی، جلد ۲.
شیخ الصدوق. (۱۳۸۱). علل الشرایع، ترجمه محمدجواد ذهنی‌تهرانی، چاپ دوم، انتشارات مؤمنین.
علامه مجلسی. (۱۳۷۳). بحارالانوار، چاپ چهارم، انتشارات دارالکتاب اسلامی.
محمدی ری‌شهری، محمد، احادیث پزشکی.
متقی هنری، علی بن حسان‌الدین، کنز العمال، انتشارات دارالکتاب علمیه.
دشتی، محمد، نهج البلاغه.
محمدی ری‌شهری، محمد، احادیث پزشکی.
محمدی ری‌شهری، محمد، دانش نامه امیرالمؤمنین (ع)، ترجمه عبدالهادی مسعودی، انتشارات دارالحدیث.
شیخ صدوق، ابن بابویه، عیون اخبار الرضا.
امین، احمد. اسلام پزشکی بی‌دارو، انتشارات نسل جوان، بی‌تا.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۹). تفسیر نمونه، قم: انتشارات دارالکتاب اسلامی، بی‌تا.
پاک‌نژاد، سید رضا. (۱۳۵۳). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، چاپ اسلامی.
قرائتی، محسن. تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
نهاوندی، علی اکبر. خزینة الجواهر فی زینة الضعابر. انتشارات فرمایی.
قمی، عباس. سفینة البحار، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
مصطفوی، سید جواد. (۱۳۷۰). بهشت زندگی، ج: ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات برهان.
محمدجمیل صال، میض رفری‌المحمدی. (۱۳۸۳). پزشکی در قرآن، ترجمه دکتر صاحبعلی اکبری، چاپ اول، تهران.

یادداشت شناسه مؤلف

زهرا کریمی سبزواری؛ مدرس علمیه نرجس (س) سبزواری. سطح ۲ حوزه.

نشانی الکترونیکی: elm@sbmu.ac.ir

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۷/۷/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۹/۱۲